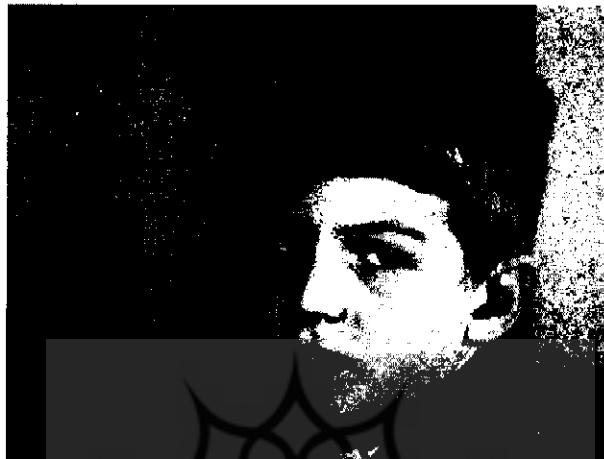


# نگرش به معلول و معلولیت

## واقعیت‌ها و ضرورت‌ها

● علیرضا یوسفی اصفهانی  
کارشناس ارشد کودکان استثنایی



### چکیده:

به این گروه گفته شده است، بدون تردید و بنا بر شواهد مستند، ادیان توحیدی به دلیل ریشه داشتن در مقوله وحی، همواره بهترین نگرش را نسبت به این قشر، ابراز داشته‌اند. براساس بینش توحیدی، نظام خلقت عالم براساس تفاوت‌ها بنا شده است. تفاوت‌هایی که در اصل وقتی از بالا به آن نگاه می‌کنیم، چون اجزایی از یک کل واحد هستند. علاوه بر آن همه هستی، تجلیات الهی بوده و هر مخلوقی در نوع خود بهره‌ای از کمال هستی بخش را در خود دارد. بر این مبنا انسان گل سرسبد خلقت و اشرف مخلوقات بوده و آن کس خداگونه‌تر است که بهره بیشتری از صفات جمال و جلال خداوند در او به ظهور رسیده باشد.

قرآن کریم نیز، ضمن تأکید بر کرامت انسان‌ها، ملاک برتری و فضیلت را تقوی دانسته و حتی در یک مورد نحوه برخورد نامطلوب با یک فرد نابینا نکوهش شده و در آیات مربوطه آمده است که شاید آن نابینا در نزد خداوند صاحب فضیلتی باشد.

نگاه به یک معلول در وهله نخست، ممکن است این تصور را در ما ایجاد کند که او "نسبت به سایر افراد دارای محدودیت‌های بیشتری است و توانایی کمتری دارد و حال آنکه چنانچه استعداد‌های بی‌شمار آدمی را مورد نظر قرار دهیم، بی‌گمان برداشت اولیه رنگ باخته و آنگاه در می‌یابیم تشخیص اینکه چه کسی کم‌توان یا توانمندتر است، کار بس دشواری است. از سویی دیگر موضوع توانمندی و ناتوانی تنها به وجود یا عدم وجود

در سال‌های اخیر بنا به دلایلی همچون پیشرفت فرهنگ و علوم و افزایش آگاهی‌های عمومی و تخصصی، توجه جهانی در زمینه احقاق حقوق انسان‌ها رشد چشمگیری یافته است. در این میان توجه ویژه به معلولان جایگاهی خاص را به خود اختصاص داده است، به طوری که امروزه برنامه‌ها و اقدام‌های مربوط به احقاق حقوق افراد معلول یکی از شاخص‌های رشد فرهنگی و اجتماعی هر جامعه محسوب می‌شود. توجه به این امر بیش از پیش لزوم تغییر و اصلاح نگرش‌های مربوط به گروه‌های مختلف از افراد معلول (اعم از جسمی، حرکتی و ذهنی) را تبیین می‌کند. دنیای متمدن، مشکل معلول را مشکل جامعه دانسته و امروزه نهادهای اجتماعی مرتبط با معلولان در جهان در اقدامی فراگیر به سمت برنامه‌هایی مفید و مؤثر با رویکرد عادی‌سازی و یکپارچه‌سازی حرکت می‌کنند. مقاله حاضر بر آن است که ضمن پرداختن به پدیده معلولیت، تأثیرهای ناشی از نگرش‌ها (مثبت، منفی) نسبت به معلولان، تشریح و برخی از اقدام‌های مؤثر در این زمینه را مورد اشاره قرار دهد.

### مقدمه:

در طول تاریخ بشری، معلولان همواره به عنوان مهجورترین اقشار جامعه پنداشته شده‌اند. برچسب‌هایی همچون مجنون، بیمار، ناتوان، ناقص الخلقه و استثنایی القابی بوده است که در طول زمان و همراه با پیشرفت فرهنگ و علوم در جوامع، تحول یافته و

استعدادهای بالقوه مربوط نمی شود بلکه به منصفی ظهور و عمل در آمدن آنها نیز ملاک ارزیابی است. مقایسه فرد نابینایی که با وجود عدم برخورداری از نعمت بینایی ظاهری با پشتکاری فوق العاده- که در بسیاری از عزیزان نابینا مشاهده می شود- به دانشگاه راه یافته و در رشته حقوق فارغ التحصیل می شود، و با فرد دیگری که از حواس سالم و امکانات لازم برای موفقیت برخوردار است، اما برای نیل به مدارج علمی و شغلی تلاش نمی کند، مثالی گویا و عینی از این حقیقت است.

مقاله حاضر بر آن است تا ضمن اشاره ای مختصر به موضوع نگرش نسبت به معلول و معلولیت، ضرورت ها و نتایج مربوط به اصلاح نگرش ها را مورد بررسی قرار دهد.

**اهمیت موضوع:**

در مباحث مربوط به روان شناسی اجتماعی، موضوع نگرش و تأثیر آن در تکامل روابط بین انسان ها مورد توجه قرار گرفته و در مورد نگرش و کارکردهای آن به تفصیل سخن رفته است. در این بخش با توجه به موضوع مقاله، برخی از مفاهیم مربوط به آن را ذکر می کنیم:

بنا به نظر آلپورت (بیرو ترجمه سازوخانی، ۱۳۶۶)، نگرش عبارت است از آمادگی ذهنی و عصبی فرد که بر اساس تجربه سازمان یافته و بر واکنش های او در برابر شرایط گوناگون تأثیر هدایت گر و پویا بر جامی گذارد. برای مثال والدین فرد نوجوانی را در نظر بگیرید که نسبت به تحولات دوران بلوغ و نوجوانی فرزند خود و علت وجودی این تغییرها آگاهی مناسبی داشته و تلاش می کنند تا از راه مطالعه، مشورت و پذیرش، با مسایل و مشکلات ناشی از این تحولات برخوردی مناسب داشته باشند. در این صورت می توان گفت که والدین این نوجوان نسبت به بلوغ خود و تحولات آن نگرشی مثبت دارند.

## همزمان با نخستین تعامل ها و یادگیری های کودک، برخی نگرش های

### پایدار

### (مانند احساس پذیرش و

### مورد علاقه بودن)

### در او به وجود می آید که به لحاظ

### اهمیت مراحل رشد شخصیت، بنیادین

### و ریشه دار هستند

بر این اساس ساختار نگرش دارای سه جزء شناختی (آگاهی از موضوع) عاطفی (احساس نسبت به موضوع) و رفتاری (عملکرد نسبت به موضوع) می باشد. همچنین نگرش دارای ویژگی هایی است از جمله آنکه نگرش ها: ۱. از متغیرهایی نتیجه گیری شده اند، ۲. به لحاظ با دوام بودن بر تمام وجود فرد اثر می گذارند، ۳. با اعتقادات و ارزش ها رابطه داشته و ۴. اکتسابی بوده و تحت تأثیر عوامل خارجی قرار می گیرند (مندراس ترجمه پرهام، ۱۳۵۶).

بدین ترتیب همزمان با نخستین تعامل ها و یادگیری های کودک، برخی نگرش های پایدار (مانند احساس پذیرش و مورد علاقه بودن) در او به وجود می آید که به لحاظ اهمیت مراحل رشد شخصیت، بنیادین و ریشه دار هستند. بعدها به موازات رشد و تثبیت شخصیت فرد، به این نگرش های نسبتاً عمیق، نگرش های دیگری اضافه می شود که ویژگی های متفاوت و عمق کمتری دارند.

### ابعاد موضوع:

در وهله نخست مجموعه نگرش های مثبت و منفی اعضای خانواده (اعم از والدین، خواهر و برادر و دیگر اعضا) و در مرحله بعدی نگرش های سایر افراد نسبت به کودک معلول، نوع تعامل های حال و آینده او با خود و محیط زندگی اش را تعیین می کند. دامنه تأثیر این نوع نگرش ها در افراد معلول به عواملی همچون نسبت به معلول، نوع و شدت معلولیت، جنسیت، شخصیت فرد معلول و ... بستگی دارد. یافته های عباسی و دولت آبادی (۱۳۸۱) بیانگر آن است که میزان افسردگی در معلولین بینایی، زن ها بیشتر از مردها، مجردها بیشتر از متأهلین و در غیر شاغل ها بیشتر از شاغلین می باشد. ابعاد این تأثیرها هنگامی پیچیده می شود که روند ارسال پیام های حاکی از رفتار و احساس نامطلوب دیگران نسبت به معلول، که از همان سال های اولیه زندگی آغاز شده، در سال های بعدی او نیز ادامه یابد. در این روند ابتدا "خود پنداره" منفی در کودک شکل گرفته و سپس "تثبیت شخصیت" در فرد معلول بر محور این نوع رفتار و نگرش تحقق می یابد. پیامدهای ناشی از این امر بیش از پیش خود معلول را متأثر می سازد، به گونه ای که ممکن است انتظاراتی مورد نظر از اقدام های اصلاحی و تدابیر تربیتی نیز برآورده نشود.

از سویی دیگر وجود یک عضو معلول در خانواده می تواند نگرش های منفی ایجاد کند. برای مثال احمد پناه (۱۳۸۱) گزارش می دهد که نخستین واکنش والدین بعد از اطلاع از معلولیت فرزندشان، ضربه روحی است. شرمساری، واکنش های روان تنی و بروز مشکلات خانوادگی از جمله پیامدهای دیگر آن است





(البرزی و بیشاش، ۱۳۷۵). البته در برخی موارد تولد کودک معلول به استحکام روابط خانوادگی نیز منتهی شده است که احتمالاً به عواملی همچون ثبات عاطفی، ارزش‌ها و باورهای مذهبی و وضعیت اقتصادی والدین و نوع و شدت مشکل کودک مربوط می‌شود (بیچ و سنتر و دیگران به نقل از علیزاده، ۱۳۸۱).

با این همه نوع نگرش اعضای خانواده نسبت به معلول، دامنه متفاوتی از شرایط برای او و سایر اعضا ایجاد می‌کند. برای مثال خواهران و برادران کودک معلول به تقلید از والدین خود که سازگاری با مشکل معلولیت فرزند را سرلوحه زندگی قرار داده‌اند، با این پدیده سازگاری پیشه می‌کنند (احمد پناه، ۱۳۸۰).

معلولیت و معلول در نوسان باشد و سطوح گوناگونی را ایجاد کند. برای مثال تجربه تماس و تعامل اجتماعی افراد عادی با معلولان باعث شناخت بیشتر گردیده و در نتیجه می‌تواند بر نگرش افراد عادی نسبت به آنها تأثیری مثبت داشته باشد (به پژوه و دیگران، ۱۳۸۲). براین اساس چنانچه نگرش‌های علمی بنا نهاده شده باشد، بهداشت روانی و اجتماعی آنها در معرض آسیب قرار می‌گیرد. نتایج برخی پژوهش‌ها حتی تأثیر این نوع نگرش بر بهداشت روانی خانواده معلول را نیز مورد تأیید قرار می‌دهد (احمد پناه، ۱۳۸۰). در مقابل به نظر می‌رسد که نگرش‌های مثبت مبتنی بر واقعیت‌ها و توجه بیشتر به توانمندی‌ها و کم‌توجهی نسبت به ناتوانی‌های معلولان احساس ارزشمندی، اعتماد به نفس و نیز مقبولیت اجتماعی را در آنان به وجود می‌آورد.

از دیگر عوامل زمینه‌ساز در نگرش نسبت به معلولان، برجسب‌گذاری و نوع برداشت‌های منفی از آن است. برجسب‌گذاری ممکن است در وهله نخست هدف اولیه و اصلی خود را از دست داده و سپس بنا به مفهومی که توسط دیگران استنباط و القاء می‌شود، به مرور شخصیت معلول را تحت تأثیر قرار دهد، بدین گونه که از طریق شکل‌دهی عواطف و رفتار دیگران نسبت به معلول احساس ناتوانی بیشتری را در او فراهم آورد (صوفی پور، ۱۳۷۹).

## عدم وجود قوانین مؤثر برای حمایت از حقوق فردی، خانوادگی و اجتماعی معلولان از جمله آثار فقدان نگرش مثبت در این زمینه است

نگرش‌های معطوف شده به افراد دارای نیازهای ویژه تعریف‌های مربوط به آنها را نیز مشخص می‌کند. این تعریف‌ها به طور متقابل نوع رفتار، توجه، همزیستی و تصمیمات مربوط به سرمایه‌گذاری‌های مادی و معنوی در زمینه‌های آموزشی و پرورشی، توان‌بخشی، اشتغال، بازپروری و ایفای نقش‌های اجتماعی مرتبط با معلولان را تعیین می‌کند. به عنوان مثال امروزه به کارگیری اصطلاحات و تعریف‌های جدید در مورد انواع معلولیت‌ها از جمله واژه‌های استثنایی، نابینا، ناشنوا، کم‌توان ذهنی با نیازهای ویژه و دارای اختلال‌های حسی و حرکتی در مقابل اصطلاحاتی منسوخ شده مانند کور، کر، عقب‌مانده و ناقص‌الخلقه، علاوه بر آنکه آغازی بر تحولی ارزشمند در نگرش‌های مربوط به این عزیزان را نوید می‌دهد، لزوم توجه بیشتر نهادهای اجتماعی در اعطای حقوق فردی و اقدام‌های مرتبط با نیازهای معلولان را ایجاب می‌کند.

نگرش‌های منفی جامعه نسبت به فرد معلول می‌تواند بر اقدام برای رفع نیازها، ایفای نقش‌ها و رفتارهای اجتماعی او تأثیرهای نامطلوب بر جا گذارد. پژوهش کرک و کالاکر (به نقل از عباسی، ۱۳۸۱)، نشان می‌دهد که ناسازگاری در افراد نابینا بیشتر ناشی از شیوه برخورد جامعه با آنهاست. نتیجه تحقیقی مشابه در ایران (سلامی، ۱۳۸۰) نیز این موضوع را مورد تأیید قرار می‌دهد. برای مثال یکی از رایج‌ترین واکنش‌های عمومی - ناشی از نگرش منفی نسبت به معلولان و به ویژه نابینایان - ترحم و دلسوزی است. هر چند تعدادی از معلولان نابینا تا حد زیادی بر این محدودیت خود از راه حواس دیگر و ورود در فعالیت‌های اجتماعی غلبه کرده‌اند، اما احتمالاً گسترش افکار و رفتار منفی در دیگران نسبت به نابینایان باعث کاهش فعالیت این افراد در کسب شخصیتی متکی و مستقل می‌شود (سلامی، ۱۳۸۰). همچنین این محقق به نقل از هومن (۱۹۸۱) بیان می‌دارد که افراد ناشنوا به دلیل نحوه رفتار افرادی که

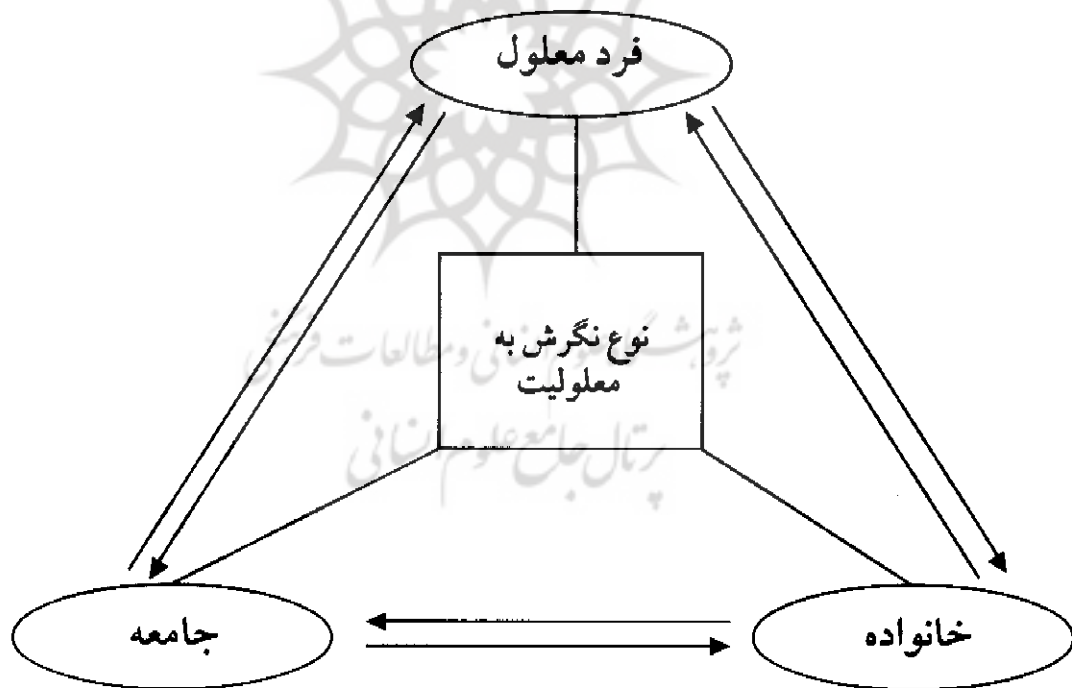
در محیط زندگی او هستند، مشکلات رفتاری بیشتری نسبت به افراد عادی از خود نشان می دهند.

یکی دیگر از مسایل موجود ناشی از نگرش نامطلوب نسبت به معلولان، تردید در حصول نتایج مورد انتظار از اجرای برنامه های آموزشی، پرورشی، توان بخشی و بازپروری آنهاست. نگرش های منفی یا حداقل خنثی نسبت به کودکان، نوجوانان و بزرگسالان معلول در میان بخش قابل توجهی از مسوولان اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نیز به چشم می خورد. به گونه ای که برخی از آنها سرمایه گذاری در بخش های مرتبط با آنها اقدامی بی نتیجه یا حداقل با بازدهی کم قلمداد می کنند. براین اساس صرف هزینه های سنگین و پنهان مادی و معنوی در نگهداری و ارائه خدمات به معلولان مورد غفلت قرار گرفته و بر مبنای محاسبه هزینه های مضاعف آموزش آنان نسبت به افراد عادی نتیجه گیری می کنند که سرمایه گذاری در بخش عادی به بهره وری بیشتر می انجامد! نگارنده در تجربیات شغلی خود شاهد بوده ام که برخی مسوولان پس از آگاهی از نتایج ناشی از آموزش، پرورش و

توان بخشی گروه های مختلف معلولان به ویژه کودکان و دانش آموزان استثنایی و مشاهده توانمندی های مختلف آنان ضمن ابراز شگفتی، تمایل و آمادگی خود برای همکاری در بخش های مختلف به منظور مشارکت در ارائه خدمات به آنان را اعلام نموده اند. این موضوع همچنین اهمیت اطلاع رسانی در مورد توانمندی های این افراد را به آحاد جامعه مورد تأکید قرار می دهد.

عدم وجود قوانین مؤثر برای حمایت از حقوق فردی، خانوادگی و اجتماعی معلولان از جمله آثار فقدان نگرش مثبت در این زمینه است. خلاء قانونی دفاع از حقوق این افراد اقدام های مربوط به برابری فرصت های اجتماعی را با محدودیت روبه رو کرده است.

هر چند ابعاد مؤثر ناشی از نوع نگرش نسبت به معلولان بسیار گسترده است، اما می توان سطوح اصلی تأثیر گذار و تأثیر پذیر را به فرد، خانواده و اجتماع منحصر دانست. طرح زیر بیانگر این سطوح و تعامل های آن است:



برخی یافته های علمی به دست آمده، به برآیند روندهای مربوط به نگرش (در حیطه های شناختی، عاطفی و رفتاری) در سطوح فرد، خانواده و اجتماع پرداخته و به روندهای حاصل از نوع نگرش (مثبت و منفی) را مورد مقایسه قرار می دهد:

بر اساس این طرح، آگاهی و احساس فرد معلول، خانواده و جامعه نسبت به پدیده معلولیت، نوع نگرش آنها را تعیین کرده و سپس رفتارهای ناشی از نوع نگرش (مثبت و منفی) در تعامل ها و روابط بینابینی ایجاد می شود. جدول های ۱ و ۲ و ۳ با بهره گیری از



جدول ۱. تعامل های فرد معلول با خود:

این بخش مهمترین بعد در تعامل های نگرشی محسوب می شود و بر این اساس بیشترین توجه در برنامه ریزی های مرتبط با توان بخشی فردی و اجتماعی معلولان را به خود اختصاص می دهد.

نگرش مثبت	نگرش منفی	نوع نگرش توسط
<ul style="list-style-type: none"> <li>- عزت نفس و خود باوری</li> <li>- اعتماد به نفس و روحیه قوی برای فعالیت</li> <li>- شناخت توانمندی ها</li> <li>- توجه و پذیرش منطقی نسبت به محدودیت ها</li> <li>- انتظار معقول از دیگران و احساس مسوولیت فردی</li> <li>- خوشبینی نسبت به بهبود شرایط</li> <li>- تمایل به توسعه روابط اجتماعی</li> <li>- گرایش به استقلال و کفایت شخصی</li> <li>- سازگاری اجتماعی</li> <li>- کاهش صدمات ناشی از معلولیت</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- خودپنداره ضعیف و متزلزل</li> <li>- ضعف اراده و احساس حقارت</li> <li>- بزرگ نمایی محدودیت ها</li> <li>- کم توجهی به توانمندی ها</li> <li>- توقع و انتظارهای بیش از اندازه از دیگران</li> <li>- افزایش فشار روانی، احساس ناامنی</li> <li>- مشکل ایجاد و توسعه روابط با دیگران</li> <li>- وابستگی در امور شخصی</li> <li>- بدبینی مهار نشده نسبت به دیگران</li> <li>- احتمال بروز معلولیت مضاعف</li> </ul>	فرد معلول نسبت به خود
<ul style="list-style-type: none"> <li>توسعه احساس ارزشمندی و پذیرش خود، تلاش برای بهره وری از توانمندی ها، ایجاد انگیزه در فعالیت ها و وظایف فردی و اجتماعی، احساس سرزندگی و تلاش برای کاهش آسیب های ناشی از معلولیت در فرد</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>بروز اختلال های عاطفی و رفتاری، افزایش آسیب های روانی و اجتماعی، کاهش تعامل ها با دیگران و افزایش مشکلات ناشی از معلولیت در فرد</li> </ul>	برونداد احتمالی



جدول ۲. تعامل های خانواده با فرد معلول:

با توجه به این مهم که خانواده نخستین محیط رشد هر فرد محسوب می شود، لذا این بُعد در برنامه ریزی های مربوط به پیشگیری و درمان، اختلال های شخصیتی، روانی و اجتماعی و به ویژه مرتبط با مسایل معلولان، اهمیت ویژه ای می یابد.

نوع نگرش	نگرش منفی	نگرش مثبت
توسط خانواده نسبت به فرد معلول	<ul style="list-style-type: none"> <li>- احساس گناه و تقصیر - انکار معلولیت و طرد فرزند معلول</li> <li>- اضطراب و نگرانی نسبت به موقعیت ایجاد شده</li> <li>- گسستگی روابط خانوادگی</li> <li>- احساس بی کفایتی</li> <li>- تمایل به انزوای اجتماعی</li> <li>- بزرگ نمایی در محدودیت های فرد</li> <li>- وابستگی در امور شخصی</li> <li>- بدبینی مهار نشده نسبت به دیگران</li> <li>- احتمال بروز معلولیت مضاعف خانواده نسبت به فرد معلول</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- واقع بینی و تقویت احساس رضایت مندی</li> <li>- پذیرش فرزند و کمک به استقلال او</li> <li>- کاهش فشارهای روانی و ایجاد آرامش در خانواده</li> <li>- همدلی و بهبود روابط در خانواده - اعتماد به نفس</li> <li>- تدارک روابط اجتماعی بهتر</li> <li>- امید به بهبود شرایط</li> <li>- تلاش برای شناخت و شکوفایی استعداد های فرزند معلول</li> </ul>
برونداد احتمالی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- در معرض خطر قرار گرفتن کیان خانواده، بروز اختلال های رفتاری و عاطفی در سایر اعضا و کاهش کارایی خانواده در زمینه های مختلف</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>پذیرش و کنار آمدن با واقعیت، کمک به فرزند برای کسب استقلال و کفایت شخصی و اجتماعی، وحدت خانوادگی و استمرار روند عادی در زندگی اعضای خانواده</li> </ul>

بدون تردید و بنا بر شواهد مستند،  
ادیان توحیدی به دلیل ریشه داشتن  
در مقوله وحی، همواره بهترین نگرش  
را نسبت به این قشر، ابراز داشته اند





### جدول ۳. تعامل های اجتماع با فرد معلول:

نقش آموزش و پرورش و توان بخشی اجتماعی در این زمینه حایز اهمیتی فراوان است. برنامه ریزی برای اصلاح و تغییر نگرش های اجتماعی نسبت به معلولان از مهمترین وظایف این نهادها محسوب می شود.

نگرش مثبت	نگرش منفی	نوع نگرش توسط
- ایجاد زمینه برای مشارکت های اجتماعی فرد معلول - سرمایه گذاری های مادی و معنوی برای رفع نیازهای او - آمادگی برای وضع قوانین به منظور حمایت از معلول - بهره گیری از توان معلول در برنامه های اجتماعی - استقبال از اقدام های علمی و اجرایی برنامه های خاص معلولان - تمایل به ارائه تسهیلات اجتماعی ویژه به معلولان - ارائه خدمات حمایتی به خانواده فرد معلول	- عدم پذیرش معلول - بی توجهی نسبت به نیازهای او - غفلت از حقوق انسانی معلول - احساس غیر مفید بودن معلول در فعالیت های اجتماعی - همکاری ناکافی در برنامه ریزی های مربوط به معلولان - عدم تخصیص تسهیلات ویژه به معلولان - عدم حمایت لازم از خانواده در زمینه امور معلول	اجتماع نسبت به فرد معلول
- ظرفیت های اجتماعی (اعم از توجه مراکز قانون گذاری، ارائه خدمات و برنامه ها به منظور اقدام های حمایتی و مشارکتی و تخصیص اعتبارات و تسهیلات) برای رفاه و توجه به معلولان توسعه یافته و روند اجتماع پذیری نسبت به این افراد سرعت انجام می شود.	واقعیت فرد معلول در جامعه شناخته نشده و لذا اقدام هایی نظیر رفع نیازها، تأمین حقوق، بهره مندی از توانمندی ها، ارائه تسهیلات ویژه سرمایه گذاری های مادی و معنوی جهت معلولان با تأخیر و به کندی صورت می گیرد. برون داد احتمالی	برون داد احتمالی

### بحث و نتیجه گیری:

سازی و هنجار کردن نگرش های مثبت در سطوح خانوادگی و اجتماعی، مکمل این بخش از تلاش ها خواهد بود. در این راستا ایجاد نگرش مثبت در نسل آینده نسبت به معلول و معلولیت (به منزله پیشگیری و توقف روند شکل گیری باورهای نادرست) و نیز اصلاح و تغییر نگرش های موجود در افراد جامعه، به عنوان ابعاد اصلی برنامه ها باید مورد توجه قرار گیرد. بدیهی است که عدم توجه به ساختار، ویژگی ها و عناصر سه گانه نگرش (شناخت، احساس و رفتار) ممکن است نتایج مورد انتظار از اجرای برنامه ها را برآورده نکند، اما این نکته مهم است که برای ایجاد تغییرها، باید نگرش تعاملی و توافقی و ارتباطات متقابل انسانی را اساس کار قرار داد و نه نگرش مکانیکی و ارگانیکی را،

ضرورت توجه به نحوه شکل گیری، تأثیر گذاری، تغییر و اصلاح نگرش ها نسبت به معلولان، یکی از مهمترین زمینه های ارائه خدمات به آنان است. از آنجا که تأثیرهای ناشی از مشکلات و معضلات متعدد آنها، علاوه بر فرد معلول و خانواده او گستره اجتماع را نیز در بر می گیرد، دستیابی به تغییرهای مطلوب، مشارکت همافکن بخش ها و نهاد های مربوطه را طلب می کند. هر چند تلاش برای غنی سازی محیط و فراهم نمودن فرصت های برابر برای معلولان تنها به تغییر نگرش ها محدود نمی شود، اما برنامه ریزی در زمینه ایجاد یک نگرش انسانی نسبت به معلولان، به عنوان شاخصی بنیادین برای تحقق اهداف اجرایی، از اهمیتی فراوان برخوردار است، ضمن آنکه استمرار در برنامه ها، فرهنگ

چرا که تغییرهای پایدار به دنبال متقاعدسازی اتفاق می افتد و نه به تبع امکانات و محیط (باقری، ۱۳۷۵).

در این رویکرد ضمن ارایه بهترین و سازگارترین پیام ها، ساختار شناختی و جنبه های عاطفی افراد جامعه از راه برقراری ارتباط مؤثر در مرکز توجه قرار می گیرد. چنانچه انتخاب منابع ارسال محتوای پیام ها به نحوی مطلوب و مبتنی بر ویژگی های مخاطبان انجام پذیرد، پیام ها از راه نفوذ در حوزه شناختی و عاطفی مخاطبان، تغییر در رفتار آنان را در پی خواهد داشت. برای مثال یک فرد معلول جسمی - حرکتی را (به عنوان منبع ارسال پیام) در نظر بگیرید که موفق می شود با ارایه عملی توانمندی خود (محتوای پیام) که محصول گذراندن دوره آموزشی در یک زمینه حرفه ای یا هنری است، نگرش مسوولان نهاد تصمیم گیرنده در زمینه اقتصادی و اجتماعی را در جهت مثبت تغییر دهد به گونه ای که این تغییر جلب همکاری ها و سرمایه گذاری بیشتر را در پی دارد. این مثال مدلی واقع گرایانه از تحول در نگرش و نتایج آن است. اقدام های اجرایی در این زمینه

می تواند طیف گسترده ای از برنامه های مشارکت دادن فرد معلول در تصمیم گیری های مربوط به خود، تقویت و تشدید ارتباطات اجتماعی و بهره مندی وی از امکانات موجود، تلاش های فردی و جمعی معلولان به منظور احیای حقوق خویش، توجه به موضوع آموزش خانواده در حیطه های وسیع تراز مدارس و مراکز و در سطحی ملی، افزایش آگاهی های عمومی، وحدت وظیفه و رویه سازمان های مرتبط با امور معلولان، تقویت و تشویق به گسترش نهادها و سازمان های غیر دولتی مرتبط با امور معلولان در گروه های مختلف، غنی سازی محیط زندگی و توسعه تعاملات عاطفی معلولان با افراد عادی را در بر می گیرد. هر چند تمهیدات اجرای این گونه برنامه ها به منظور برابر سازی فرصت ها برای معلولان، اقدامی لازم و اجتناب ناپذیر است، به نظر می رسد که دگرگونی در مسایل انسانی بشدت در گرو تغییر نگرش افراد و مسوولان نسبت به افراد دارای معلولیت است و این ضرورتی است که دستیابی به هدف های آن همتی ملی را طلب می کند.



زیر نویس ها: گاه علوم انسانی فرنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

1. self-concept 2. personality fix

منابع:

قرآن کریم.

بیرو، اگن (۱۳۶۶). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیهان.  
مندارس، هالزی و گویدیچ، ژرژ (۱۳۵۶). مبانی جامعه شناسی. ترجمه باقر پیرهام، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر.  
علیزاده، حمید (۱۳۸۱). تأثیر فرزند معلول بر خانواده. نشریه تعلیم و تربیت استثنایی. شماره ۱۴. بهمن ۱۳۸۱.  
البرزی، شهلا و بشاش، لعیا (۱۳۷۵). تأثیر کودک عقب مانده ذهنی بر خانواده. مجله پژوهش های روان شناختی، شماره ۷.  
صوفی پور، یگانه (۱۳۷۹). بررسی عوامل مؤثر بر نگرش دانشجویان دانشگاه نسبت به ازدواج با افراد استثنایی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

سلامی، فاطمه (۱۳۸۰). بررسی نگرش عمومی نسبت به افراد دارای نیازهای ویژه. سازمان آموزش و پرورش استثنایی.  
احمد پناه، محمد (۱۳۸۰). تأثیر کم توان ذهنی فرزند بر بهداشت روانی خانواده. مجله پژوهش در حیطه کودکان استثنایی. فصلنامه پژوهشکده کودکان استثنایی، سال اول.  
باقری، خسرو (۱۳۷۵). مجله پژوهش نامه آموزشی، شماره ۱۳.

